

## مطالعه تطبیقی پوشاک دوران صفوی در سفرنامه‌ها و آثار رضاعباسی

نویسنده‌ی اول و مسئول ۱\*؛ دکتر ادهم زرغام، دانشیار، عضو هیئت علمی، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران، azargham@ut.ac.ir،  
۰۹۱۲۳۸۴۱۹۵۸

نویسنده‌ی دوم الناز دستیاری<sup>۲</sup>، دانشجوی دکتری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۰۹۱۲۸۱۳۵۲۸۴.e.dastyari@gmail.com

### چکیده

بررسی و مطالعه‌ی پوشاک مردمان در هر دوره‌ای از جمله مواردی است که شناخت فرهنگ و تمدن هر دوران را میسر می‌کند. پوشاک ایرانیان در دوران صفوی دستخوش تغییراتی می‌شود که از جمله دلایل این امر می‌توان به ورود اروپائیان به ایران اشاره کرد. از دوران صفویه سفرنامه‌هایی به جا مانده که اوضاع اجتماعی و فرهنگی دوران صفویه را مشخص می‌سازد. اینگونه به نظر می‌رسد که در زمینه‌ی پوشاک می‌توان سفرنامه‌های موجود را با آثار نگارگری این دوره تطبیق داد. در این راستا پژوهش حاضر تلاش می‌کند به این سوال پاسخ دهد که انطباق سفرنامه‌های به جا مانده از دوره‌ی صفوی و آثار رضاعباسی به چه صورت امکان‌پذیر است؟ هدف این پژوهش پرداختن به پوشش دوره‌ی صفوی با مطالعه‌ی سفرنامه‌های این دوره و انطباق آن‌ها با آثار نگارگری برجای مانده از رضاعباسی می‌باشد. روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی می‌باشد و اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده‌اند. همچنین تلاش شده با توجه به نمونه‌های موجود، مصادیق تصویری مناسب نیز جهت فهم بهتر مطالب ارائه شود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که موارد مشترکی میان سفرنامه‌ها و آثار رضاعباسی به چشم می‌خورد و این اشتراکات را می‌توان در بخش‌هایی همچون سرپوش، دستارها، روسری و کلاه و تن‌پوش همچون قبا و شلوارها و کفش‌ها پیگیری کرد.

واژگان کلیدی: دوران صفوی، پوشاک، سفرنامه‌ها، رضاعباسی

## مقدمه

پوشاک همواره به عنوان یکی از مظاهر فرهنگ، از دیرباز تحت تأثیر شرایط فرهنگی، جغرافیایی و اجتماعی دچار تحول شده است. در ایران نیز تحول پوشاک مردمان در دوران گوناگون به چشم می خورد. در عصر صفوی به عنوان یکی از مهم ترین ادوار تاریخی ایران، پوشاک مردمان دستوش تحولاتی شده است و پوشاک به عنوان یکی از مظاهر فرهنگ و تمدن این دوره قابل بررسی و مطالعه می باشد. در عصر صفوی ارتباط اقتصادی و تجاری با اروپائیان رونق می گیرد و این امر یکی از مواردیست که بر تحول پوشاک این دوران تأثیر می گذارد. در این دوره تعدادی از سیاحان به ایران آمدند و علاوه بر گزارش اوضاع و احوال اجتماعی در مورد پوشاک مردمان این دوره نیز مطالبی نوشتند. سفرنامه های موجود از جمله با اهمیت ترین منابع در حوزه پژوهش عصر صفوی به شمار می روند. سفرنامه شاردن، سفرنامه تاورنیه، سفرنامه سانسون و سفرنامه پیترو دلواله از جمله سفرنامه هایی که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته اند. آثار هنری و نگاره های باقی مانده از دوران صفوی یکی دیگر از منابع موجود می باشد که امکان بررسی پوشش آن دوران را میسر می کند. با انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان توسط شاه عباس این شهر از نظر اقتصادی و فرهنگی شکوفا شد و در این زمان طبقه های بازرگانان در این شهر به وجود آمد که حامیان هنر نیز بودند. رضا عباسی از سرآمدان نگارگری این زمان است که اینگونه به نظر می رسد، آثارش امکان بررسی و مطالعه پوشاک دوران صفوی را فراهم می کند. در این پژوهش تلاش شده که با تطبیق سفرنامه های یاد شده و آثار رضا عباسی پوشاک دوران صفوی مورد مطالعه قرار گیرد. سوال پژوهش حاضر اینست که چگونه می توان با تطبیق سفرنامه های موجود و آثار رضا عباسی به مطالعه پوشش دوران صفوی پرداخت؟ در این راستا تلاش شده بخش هایی از سفرنامه های مذکور که به پوشش مردمان دوران صفوی پرداخته اند، مورد توجه قرار گیرد و با آثار نگارگری رضا عباسی تطبیق داده شود.

## پیشینه

معمولاً کتاب هایی که در مورد نقاشی ایران نوشته شده اند؛ بخشی را به معرفی آثار و زندگی رضا عباسی اختصاص داده اند. از میان این کتاب ها برخی به اجمال به موضوع مورد نظر می پردازند، مانند کتاب هنر ایران از دیرباز تا امروز، نوشته ی روئین پاکباز که در بخش هایی به این هنرمند اشاره می کند و می کوشد خواننده را با او آشنا سازد. در میان منابعی که به نقاشی ایرانی می پردازند؛ کتاب هایی وجود دارد که بخشی را به این هنرمند اختصاص داده و به صورت مفصل تری به آن ها پرداخته اند. از جمله ی این کتاب ها می توان به نگارگری ایران (پژوهشی در تاریخ نقاشی و نگارگری ایران)، اثر یعقوب آژند (۱۳۹۲) اشاره کرد. همچنین با مطالعه ی کتاب دیگر وی با عنوان مکتب صفوی، می توان به اطلاعاتی درباره ی این هنرمند دست یافت. علاوه بر منابعی که به طور کلی به نقاشی ایرانی می پردازند؛ منابعی وجود دارند که به طور مشخص زندگی و آثار این هنرمند را مورد توجه قرار می دهند. شیلا کنبی در کتابی با عنوان رضا عباسی اصلاح گر سرکش، به تفصیل زندگی و آثار او را مورد توجه قرار داده است. کتاب رضا عباسی نوشته ی یعقوب آژند از جمله منابعی است که به طور مشخص به این هنرمند می پردازد. علاوه بر کتاب ها مقالاتی نیز درباره ی این هنرمندان نوشته شده است. منیره سادات نقوی و محسن مراثی در پژوهشی با عنوان مطالعه تطبیقی کلاه مردان در سفرنامه ها و نگاره های دوران صفوی با تأکید بر دیوارنگاره های کاخ چهلستون اصفهان (۱۳۹۱)، به ارتباط میان کلاه مردان در دیوارنگاره های چهلستون اصفهان و مناصب دربار صفوی می پردازد. و در نهایت به این مورد اشاره می کند که با توجه به هرمی بودن ساختار جامعه صفوی که در رأس آن پادشاه قرار داشت، هر فرد با توجه به شغل و منصب خویش کلاهی ویژه و مخصوص بر سر می کرد. در مقاله ی مطالعه تطبیقی پوشش زنان در چهار نگاره از شاهنامه های دوره صفوی (دیدار زال و رودابه) در سال (۱۴۰۰)، مهدیه هاشمی و عبدالکریم عطارزاده به مقایسه ی پوشش زنان در نگاره ی «دیدار زال و رودابه» پرداخته اند و به این امر دست یافتند که زنان در نگاره ی نسخه شاهنامه شاه عباس پوشیده تر تصویر شده اند. از جمله دیگر پژوهش های موجود در این زمینه می توان به مقاله ی لباس و پارچه صفویان به روایت نگارگری، نوشته ی شهره فضل وزیری (۱۳۹۰) اشاره کرد. منصور ولی قوجق و حسین مهرپویا در سال (۱۳۹۵) در مقاله ی مطالعه تطبیقی تن پوش های مردان در سفرنامه ها و نگاره های دوره صفویه، به جزئیات تن پوش های مردان به عنوان یکی از مواردی که می تواند به شناخت قسمتی از تاریخ فرهنگی و اجتماعی دوران صفوی کمک کند، پرداخته شده است. همچنین در این پژوهش میزان انطباق پوشاک مردان دوره صفوی و نگارگری این دوره بررسی شده است.

## روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی می‌باشد و اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری و فیش‌برداری و در جهت پاسخگویی به سؤال پژوهش ساماندهی شده‌اند.

## مکتب اصفهان

صفویان از بازماندگان شیخ صفی‌الدین بودند که حکومت ترکمانان در غرب ایران و شرق آناتولی را گرفتند. اسماعیل بنیان‌گذار سلسله‌ی صفویان، آذربایجان را از آق قویونلوها گرفت و سلطنت صفویان را پایه‌گذاری کرد. همچنین در زمان صفویان پایتخت از تبریز به قزوین و سپس اصفهان منتقل شد (بلر و بلوم، ۱۳۹۴: ۴۲۷). شاه عباس اول دست به بازسازی نقاشخانه‌ی سلطنتی زد و هنرمندانی چون صادقی بیگ افشار، علی اصغر کاشانی و فرزند او آقا رضا و شماری دیگر به خدمت نقاشخانه درآمدند. شاه عباس اول صفوی با سیاستی معین پایتخت خود را از قزوین به اصفهان منتقل کرد و این شهر به زودی معروفیت جهانی کسب کرد و به مرکز ثقل اقتصادی و فرهنگی ایران تبدیل شد. همچنین طبقه‌ی جدیدی از بازرگانان ثروتمند در این شهر به وجود آمد که با خواسته‌ها و سلیقه‌های تازه خود به جرگه هنرپروران پیوستند. بنا بر ضرورت آرایش بناهای عمومی و خصوصی و در پی استقرار ارمنیان در جلفای نو و برقراری ارتباط بیشتر با اروپاییان تولید هنری رونق بی‌سابقه‌ای یافت و از انحصار دربار بیرون آمد. هنرمندان به علت افزایش سفارش‌های دیوارنگاری و ورقه‌های مصور رفته‌رفته از سنت مصورسازی کتاب‌ها فاصله گرفتند. استادان مکتب اصفهان عمدتاً صحنه‌های زندگی روزمره‌ی جوانان، درویشان و تک چهره‌ها را به شیوه‌ی خطی بر زمینه‌ی سفید یا رنگی و توام با چند گیاه و چند ابر تصویر می‌کردند. بدین‌سان نظام زیبایی شناختی نگارگری ایران در مکتب اصفهان دگرگون شد (پاکباز، ۱۳۹۴: ۱۲۳).

هنگامی که شاه عباس پایتخت را از قزوین به اصفهان تغییر داد؛ نقاشی هم به مرحله‌ی تازه‌ای از تحول گام نهاد. شخصیت طراز اول اصفهان در قلمرو نقاشی رضا عباسی بود. در مکتب اصفهان تحولات عمده در سبک نگارگری به وسیله‌ی برخی هنرمندان صورت گرفت. در این زمان آقا رضا عباسی وارد صحنه‌ی نقاشی ایران شد و تحولاتی درخور در آن پدید آورد. وی با بهره‌گیری از خط‌پردازی دقیق و طراحی ظریف سبکی نو ایجاد کرد که از نظر ضخامت خط متفاوت بود و به اندازه‌ی کافی حجم را نشان می‌داد. تناسب پیکره‌های انسانی در نگاره‌های او تحولی چشمگیر یافت (آژند، ۱۳۹۲، ۶۰۲).

## رضا عباسی

رضا عباسی در حوالی دهه‌ی ۹۷۰ه چشم به جهان گشود. او را از بنیان‌گذاران مکتب اصفهان در نظر می‌گیرند. وی با نوآوری‌هایش در طراحی و گزینش موضوعات جدید تحولی مهم در نگارگری ایران به وجود آورد. رضا عباسی نزد پدرش مولانا علی اصغر کاشانی آموزش دید. رضا از دوران کودکی سر و کارش با رنگ و قلم مو افتاد. وی در جوانی در زمهری کارکنان کارگاه هنری قرار گرفت و لقب عباسی را از شاه عباس اول دریافت کرد. عمده‌ی آثار رضا عباسی به صورت طراحی و نقاشی تک‌برگ است اما در مصورسازی چند نسخه از جمله شاهنامه مشارکت داشت (پاکباز، ۱۳۹۴، ۷۱۸). رضا در دوران میانسالی دربار را ترک می‌کند. از این دوره آثاری از انسان‌های سرگردان و فضا‌های طبیعی از او باقی مانده که به نوعی وضعیت ذهنی هنرمند را نشان می‌دهد. گفتنی است که رضا در نهایت به دربار باز گشت درحالی که از نظر مالی وضعیت خوبی نداشت و به استثناء آثاری چند، اثر قابل توجهی نیافرید (کنبی، ۱۳۹۱، ۱۰۱).

## بررسی تطبیقی پوشاک در سفرنامه‌ها و آثار رضا عباسی

نگاره‌های باقی مانده از دوران صفوی از جمله منابعی می‌باشند که می‌توانند در کنار سفرنامه‌ها، اطلاعاتی در مورد پوشش ایرانیان دوران صفوی بدهند. در میان این نگاره‌ها، آثار رضا عباسی خصوصاتی دارد که به نظر می‌رسد می‌تواند با سفرنامه‌ها انطباق داده شود. جدول شماره‌ی ۱. از این‌رو در ادامه سرپوش، تن‌پوش و پاپوش در نگاره‌ها و سفرنامه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### سرپوش

براساس منابع موجود، شیوه‌ی لباس پوشیدن زنان و مردان ایرانی در دوره‌ی صفوی چندان اختلافی با یکدیگر ندارد. البته می‌توان به تفاوت‌هایی اشاره کرد، از جمله اینکه زنان در پوشش خود از زر و زیور بیشتری استفاده می‌کنند و همچنین هیچ نوع عمامه مانند چیزی

که مردان به سر می‌کنند، در پوشش زنان دوره‌ی صفوی دیده نمی‌شود. چنانچه در سفرنامه سانسون آمده‌است، زنان دوره‌ی صفوی پیشانی‌های خود را با نواری می‌پوشاندند که حدوداً سه انگشت پهنا داشت و با طلا میناکاری شده بود. به علاوه زنان این دوره کلاه پارچه‌ای ظریفی بر سر می‌گذاشتند که با طلا حاشیه‌دوزی شده بود و شال ظریفی را نیز دور این کلاه می‌پیچاندند که به زیبایی هرچه تمام‌تر گلدوزی شده بود (سانسون، ۱۳۷۷: ۱۲۲).

در سفرنامه شاردن به چهار نوع حجاب اشاره شده که دو عدد از آن‌ها مخصوص داخل خانه و دو عدد دیگر مربوط به خارج از خانه است. «نخست پوششی روسری مانند که غالباً به منظور آرایش است و تا پشت اندام را می‌پوشاند. دوم چهارقد که پوششی سه گوشه است؛ میانش را روی سر می‌اندازند و وسط و دامن آن را زیر ذقن به نوعی گره می‌زنند که دو دامن روی سینه را بیوشاند، و دامن سوم پشت سر را مستور بدارد. پوشش سوم همان چادر است که سراسر اندام را از سر تا پا می‌پوشاند و پوشش چهارم چیزی شبیه دستمال است که صورت را می‌پوشاند و روی شقیقه بسته می‌شود. روی این رو بند آن جا که چشم از شبکه‌هایی برای دیدن تعبیه شده‌است» (شاردن، ۱۳۷۲: ۸۰۵). دلاواله در سفرنامه‌اش درباره‌ی روسری زنان در دوره‌ی صفویه می‌نویسد و ذکر می‌کند که روسری زنان این دوره دارای شباهت‌هایی با پارچه‌ای است که زنان در بغداد استفاده می‌کردند. «رنگ روسری‌ها متفاوت است و دنباله آن از عقب تا روی زمین ادامه پیدا می‌کند. چند رشته مروارید، به طول چهار انگشت به بند پیشانی آنان آویزان است که با حرکت سر به اطراف حرکت می‌کند و به علاوه دو رشته موی بلند نیز از طرفین صورتشان پایین ریخته و چهره آنان را در بر می‌گیرد» (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۴۷).

در تصویر شماره ۳ با عنوان کتابخوان، علی‌رغم به کارگیری خطوط درهم برهم می‌توان کلیت یک پیکره را مشاهده کرد که بر روی کتاب روبرویش خم شده‌است. قبای این پیکره به طرز زیبایی بر روی شانه‌هایش آویزان شده و توجه رضا عباسی به اجزای انحنای نزدیک به انتهای آستین‌ها جالب توجه است. از آنجایی که در دوره صفوی لباس‌های زنان و مردان تفاوتی با یکدیگر ندارند، جنسیت این پیکره خیلی مشخص نیست. هر چند که نظریه‌پردازان معتقدند که این پیکره زن است و احتمالاً دلیل آن هم کلاه لبه‌دار سه گوشه است که بر سر کرده‌است. معمولاً زنان این نوع کلاه تنگ را با یک روسری و شال استفاده می‌کردند که سر و گردن و شانه آن‌ها را می‌پوشاند یا مثل روسری‌های مکزیکی از پشت سر آویزان می‌شد. همانند آنچه در تصویر ۴ دیده می‌شود، پیکر عرقچین شفاف را بر سر گذاشته و پر درشتی را در آن فرو کرده‌است. با آنکه چنین پوششی برای مرد و زن غیر عادی بوده اما احتمالاً مردان می‌توانست زیر دستار آن را بر سر بگذارند (کنبی، ۱۳۹۳: ۷۰-۷۱).



تصویر شماره ۲: رضا عباسی، زنی با کیسه زر، ۱۰۰۸ ه.ق، آبرنگ روی کاغذ (کنبی، ۱۳۹۳: ۶۸)



تصویر شماره ۱: رضا عباسی، کتابخوان، ۱۰۰۸ ه.ق، طراحی ناتمام روی کاغذ (کنبی، ۱۳۹۳: ۷۰)

### تن پوش

به طور کلی در سده‌ی یازدهم پوشاک زنان صفوی مشتمل بر تن پوش‌هایی بود که به صورت لایه به لایه دوخته شده بودند. این تن پوش‌ها در قسمت میانی تنگ بودند و آهسته آهسته به سمت خارج توسط چین‌های مواج گشادتر می‌شدند. معمولاً این تن پوش‌ها با زیورآلات

نیز همراه می‌شد و مقام و منصب و ثروت همسران در تن‌پوش زنان مرفه و زنان دربار موثر بود. در کتاب "هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی" آورده شده که پوشش زنان صفوی در یک مورد اساسی که چادر بود و سرتا با هم تفاوتی نداشتند. هرچند که با توجه به مقام و منصب همسران، چادرهای زنان جنس‌های متفاوتی داشتند. اما در حالت کلی چادر از اجزاء اصلی پوشش زنان عادی به شمار می‌رفت که سر تا پای آنان را در بر می‌گرفت. چادرهای زنان در جنس پارچه‌ی استفاده شده و تزئینات با هم اختلافاتی داشتند (غیبی، ۱۳۸۵، ۴۵۶). تاورنیه درباره‌ی پوشاک این دوره می‌نویسد که پوشش زنان ایرانی در بالاتنه و پایین‌تنه از یکدیگر مجزا نیست و به صورت یکسره می‌باشد و عملاً از این نظر با لباس مردان تفاوتی ندارد. او درباره‌ی قبا می‌نویسد که از زانو پایین‌تر می‌آید و پارچه‌ی آن نازک و لطیف است. «این قباها بلند و تنگ است و تا پشت دست می‌رسد. خود قبا هم از بالاتنه تنگ و چسبیده به بدن است اما از کمر به پایین وسیع می‌شود، یک طرف از زیر بغل چپ با بندی بسته می‌شود و سوی دیگرش از روی آن گذشته زیر بغل راست بسته می‌شود» (تاورنیه، بی‌تا: ۶۲۲).

زنان صفوی جلیقه‌ای جلوباز زیر قبای خود می‌پوشیدند. بر اساس چیزی که سیاحان در مشاهده کرده‌اند و در سفرنامه‌ها شرح داده‌اند، لباس ایرانی‌ها با ترک‌ها از این نظر که ساده‌تر و یقه آن گشوده‌تر است، تفاوت دارد. جلیقه را معمولاً در زمستان و بر روی پیراهن می‌پوشند و از آن جایی که کوتاه است خیلی دیده نمی‌شود. جلیقه‌ها را از نخ پشمی می‌بافتند که غالباً رنگی و دارای نقش و نگار بود. همچنین این جلیقه‌ها پنبه‌دوزی مختصری از داخل داشتند. معمولاً در تابستان‌ها جلیقه زیر قبا پوشیده نمی‌شد. همچنین نیم‌تنه زنان از کلیجه مردان بلندتر بود و تقریباً تا مچ پا می‌رسید. این نیم‌تنه تفاوت‌هایی با جلیقه داشت و هرچند که هر دو زیر قبا پوشیده می‌شد، اما با توجه به اسناد و مدارک باقی‌مانده و سفرنامه‌ها، جلیقه فقط در زمستان و زیر قبا پوشیده می‌شد اما کلیجه نیم‌تنه‌ای تنگ بود که با دامنی بلند زیر قبا پوشیده می‌پوشیدند (غیبی، ۱۳۸۵: ۴۶۱).

شاردن در سفرنامه‌ی خود ذکر می‌کند که پوشاک ایرانیان در مقایسه با لباس اروپائیان قد و قامت را بلندتر نشان می‌دهد. همچنین علی‌رغم شباهت پوشاک مردان و زنان به شکوه و تجمل لباس‌های آنان اشاره می‌کند. پیراهن را که قمیص می‌خوانند و کلمه شمیز از آن آمده‌است، از جلو تا ناف باز است. بالاپوش‌های بانوان باریک است و یک شصت پهنا دارد. بانوان و نیز مردان ایرانی دستکش بر دست نمی‌کنند. دستکش در مشرق زمین مفهومی ندارد. با توجه به وجود شباهت میان پوشاک افراد، زنان همچون مردان بر روی قبای خود شال کمر می‌بستند. با این تفاوت که پهنای شال زنان به نسبت مردان باریک‌تر بوده و پهنای آن از یک شست در نمی‌گذرد (شاردن، ۱۳۷۲: ۸۰۵).

در آثار رضا عباسی پایین‌ردای افراد به جای اینکه مستقیم آویزان شود، اینگونه به نظر می‌رسد که بر اثر وزش باد به عقب تا خورده است. در واقع می‌توان گفت رضا عباسی در طول حیات هنری خود دقتی خاص و مشخص را در اجرای انتهای حمایل و دستار به کار می‌برد که این شیوه به قلابی مضرس معروف شد و بعدها توجه هنرمندان دیگر را نیز به خود جلب کرد. رضا عباسی در آثار اولیه‌ی خود انواع دستار و حمایل از نوع مسطح یا قوس‌دار را تجربه کرد. در تصویر شماره‌ی ۱ پیکره گوشه‌ای از لباس خود را در مشت گرفته که این یکی از ویژگی‌های آثار رضا عباسی به شمار می‌رود. این تصویر با عنوان جوانی باردای آبی که دارای رقم مشق کمترین آقا رضا می‌باشد، معرف نخستین سبک رضا عباسی است. اینگونه به نظر می‌رسد که چین و شکن مثلث گونه لباس در حاشیه پایینی با رخ نمای آستر رنگی مهم‌تر از خود موضوع نگاره است (کنبی، ۱۳۹۳: ۳۲-۳۴).



تصویر شماره ۴: رضا عباسی، زن جوان با جامه سبز، ۹۹۸ ه.ق، آبرنگ روی کاغذ (کنبی، ۱۳۹۳: ۳۶)



تصویر شماره ۳: رضا عباسی، زنی جوانی با ردای آبی، ۹۹۳ ه.ق، آبرنگ روی کاغذ (کنبی، ۱۳۹۳: ۳۳)

### پاپوش

سانسون در سفرنامه‌ی خود ذکر می‌کند که زنان معمولاً شلوارهای بلندی به پا می‌کنند که تا زیر قوزک پا می‌رسد و قوزک پای آنان را می‌پوشاند. همچنین به دلیل بلند بودن شلوار زنان جوراب نمی‌پوشیدند. در زمستان نیز زنان پوتین‌های ساق بلندی را می‌پوشیدند که لبه‌هایشان تزئین شده بود. در منزل نیز نوعی کفش راحتی از جنس چرم ساغری مانند کفش مردان مورد استفاده بود (سانسون، ۱۳۷۷: ۱۲۲). شاردن نیز نیم‌چکمه‌های زنان دوره‌ی صفوی را مورد توجه قرار می‌دهد و می‌نویسد، «زنان با نیم‌چکمه‌هایی پای خود را می‌پوشاندند که تا چهار انگشت بالاتر از قوزک پا می‌رسد و آن یا کاردستی است یا اینکه از منسوجات بسیار گرانبها تهیه می‌گردد» (شاردن، ۱۳۷۲: ۸۰۵). به طور کلی پاپوش مردان و زنان در دوره‌ی صفوی یکسان بوده و تفاوت چندانی بین آن‌ها دیده نمی‌شود. چنانچه در سفرنامه تاورنیه آمده، شلوار زنان همچون شلوار مردان بلند بوده و کفش‌هایی که زنان به پا می‌کردند نیز شبیه به کفش مردان و در رنگ‌های سبز، قرمز، زرد و بنفش مورد استفاده قرار می‌گرفت (تاورنیه، بی‌تا: ۶۲۴).

در تصویر شماره ۵ با عنوان ساقی شلوار طلایی پیکری دیده می‌شود که انتهای نیم‌تنه‌ی کوتاه‌اش بر اثر وزش باد به اهتزاز درآمده‌است. همچنین در این اثر نکته‌ی جالب‌توجه به کارگیری ترکیب سایه‌های گوناگون رنگ طلایی در یک پارچه است که گویا در آن زمان باب روز بوده‌است. در شلوار این پیکره صحنه‌هایی از پرندگان نقش بسته است. به طور کلی این گونه به نظر می‌رسد که در این اثر به واسطه‌ی رنگ‌ها و نقوش استفاده شده شور و نشاط حاکم می‌باشد (کنبی، ۱۳۹۳: ۱۴۴).












تصویر شماره ۵: رضا عباسی، ساقی شلوار طلایی، ۱۰۳۵ ه.ق، آبرنگ روی کاغذ (کنبی، ۱۳۹۳: ۱۴۵)

## تزئینات

همچنین دلاواله از سادگی لباس زنان صحبت به میان می‌آورد و توضیح می‌دهد که در لباس زنان این دوره علی‌رغم سادگی از پارچه‌های قیمتی و ابریشمی که با تار و پود طلایی بافته شده بودند، استفاده می‌شد. همچنین از پارچه‌ای به نام زربفت یا میلک در کاشان نام می‌برد که در تار و پود آن طلا و نقره و گاهی هر دو آن‌ها به کار می‌رفت. «پیراهن زنان ایرانی تنگتر از ترکان است و به نظر من قشنگی آن را ندارد. زنان جوراب مخمل یا زربفت و به طور کلی، هر چه مطابق سلیقه آنان باشد می‌پوشند» (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۴۷) سانسون نیز درباره‌ی زیورآلات زنان در این دوره می‌نویسد و اشاره می‌کند که در این دوره زنان گردنبندهایی از مروارید به گردنشان می‌آویزند و کمربندهایی به کمر می‌بندند که پوشیده از ورقه‌های طلا و دارای چهار انگشت عرض است. «روی ورقه‌های طلا قلمزنی شده‌است و اغلب اوقات روی آن جواهرات قیمتی نصب می‌کنند. پیراهنی که در زیر می‌پوشند زربفت است و زمینه آن طلا یا نقره است. روی این پیراهن یک نیمتنه زردوزی شده که بسیار زیبا می‌باشد، می‌پوشند. آستر نیمتنه از پوست سمور است. در زمستان نیمتنه، آستین دارد و در تابستان بدون آستین می‌باشد» (سانسون، ۱۳۷۷: ۱۲۲).

جدول شماره ۱: بررسی پوشاک در آثار رضا عباسی

				دستار
				کلاه
				روسری
				قبا
				نیم‌تنه

				شال کمر
				چادر
				شلوار
				کفش

### نتیجه‌گیری

اینگونه که از بررسی و تطبیق سفرنامه‌های دوره‌ی صفوی و آثار باقی مانده از رضا عباسی بر می‌آید، به نظر می‌رسد که ارتباطی میان آن‌ها وجود دارد. هر چند که سیاحان و نویسندگان سفرنامه‌نویسانی که در دوره‌ی صفوی به ایران آمده‌اند، با بخشی از افراد جامعه به صورت مستقیم در تماس نبودند اما در سفرنامه‌ها تلاش شده که به آداب و رسوم و اوضاع زندگی ایرانیان در این دوره پرداخته شود. بررسی پوشاک به عنوان یکی از مواردی که به شناخت جامعه‌ی ایران در دوران صفوی کمک می‌کند همواره مورد توجه بوده‌است. در آثار رضا عباسی نیز می‌توان بازتاب پوشاک دوران صفوی را پیگیری کرد. پوشاک زنان و مردان در دوره‌ی صفوی تفاوت‌های چندانی ندارند و این امر هم در سفرنامه‌ها و هم آثار رضا عباسی مشهود است. می‌توان رضا عباسی را هنرمندی در نظر گرفت که با قلم نقاشانه‌ی خویش به مشاهده و ترسیم پرداخته و آثارش می‌تواند نشانگر بخشی از پوشاک دوران خود باشد. آثار رضا عباسی و سفرنامه‌ها در بخش‌هایی همچون سرپوش دستارها، روسری و کلاه و تن‌پوش همچون قبا تا حدودی منطبق است. همچنین در دیگر موارد همچون شلوارها و کفش‌ها می‌توان این انطباق را بررسی کرد.

### پی‌نوشت‌ها

<sup>۱</sup> شاه اسماعیل یکم با نام کامل اسماعیل بن سلطان حیدر بن شیخ جنید پایه‌گذار و نخستین شاه سلسله صفویان.

<sup>۱</sup> معروف به شاه عباس بزرگ یا شاه عباس کبیر، پنجمین شاه صفویان

<sup>۳</sup> نگارگر ایرانی، ۹۴۰-۱۰۱۸ ه ق / ۱۵۳۳-۱۶۰۹ م.

<sup>۴</sup> از پادشاهان صفوی، ۹۷۸-۱۰۳۸ ه ق / ۱۵۷۱-۱۶۲۹ م.

<sup>۵</sup> نقاش عصر شاه تهماسب یکم و شاه اسماعیل دوم.

### فهرست منابع

آژند، یعقوب، (۱۳۹۲)، نگارگری ایران ( پژوهشی در تاریخ نقاشی و نگارگری ایران)، تهران، سمت.  
 بلر، شیلا و بلوم، جاناتان، (۱۳۹۴)، هنر و معماری اسلامی (۲) (۱۸۰۰-۱۲۵۰)، ترجمه‌ی یعقوب آژند، تهران، سمت.



---

پاکباز، روئین، (۱۳۹۴)، دایره‌المعارف هنر. ۳ جلد، تهران، فرهنگ معاصر.  
دالواله، پیترو، (۱۳۷۰)، سفرنامه پیترو دالواله، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران، علمی و فرهنگی.  
سانسون، (۱۳۷۷)، سفرنامه سانسون، وضع کشور ایران در عهد شاه سلیمان صفوی، محمد مهریار، اصفهان، گلها.  
غیبی، مهرآسا، (۱۳۸۵)، هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، تهران، انتشارات هیرمند.  
کنبی، شیلا (۱۳۹۳)، رضا عباسی اصلاح‌گر سرکش، مترجم: یعقوب آژند، تهران، موسسه تألیف ترجمه و نشر آثار هنری، متن.  
کنبی، شیلا (۱۳۹۱)، نقاشی ایرانی، مترجم: مهدی حسینی، تهران، دانشگاه هنر.  
تاورنیه، ژان باتیست، (بی‌تا)، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، اصفهان، کتابخانه سنایی.

<https://sohalibrary.com/site/index?Search%5Bfield%5D=&page=1&branch=1&Search%5Bname%5D=%D8%B3%D9%81%D8%B1%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87+%D8%AA%D8%A7%D9%88%D8%B1%D9%86%DB%8C%D9%87>

شاردن، جان، (۱۳۷۲)، سفرنامه شوالیه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، انتشارات توس.

<https://noorlib.ir/book/view/3237/%D8%B3%D9%81%D8%B1%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D8%B4%D8%A7%D8%B1%D8%AF%D9%86?volumeNumber=2&pageNumber=2&viewType=pdf>